

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۵/۱۲

جهانی‌شدن فرهنگی و قدرت نرم؛ ضرورت سیاستگذاری جدید با رویکرد نرم‌افزارانه

محمد لعل علیزاده^۱

مژگان احمدپور اردجانی^۲

چکیده

در عصر جهانی شدن و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی شاهد اهمیت روزافزون قدرت اطلاعات هستیم. ضرورت بررسی و مطالعه تأثیر این تکنولوژی‌ها به‌عنوان عنصری از قدرت ملی در این چارچوب قابل ارزیابی است. این پژوهش در صدد است تا تأثیر تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی را بر سیاستگذاری در حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی بررسی کند. در این راستا این سؤال طرح شد که «تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید به‌عنوان بخشی از قدرت نرم چه تأثیری بر سیاستگذاری در زمینه امنیت و دیپلماسی داشته است؟». ادعای این مقاله آن است که فناوری‌های جدید به‌عنوان ابزار اساسی جهانی شدن فرهنگی بازنگری در مفهوم امنیت و دیپلماسی را ضروری ساخته است و با چرخش امنیت از شکل سنتی به چهره جدید آن و طرح و اهمیت دیپلماسی عمومی جدید توجه به استراتژی‌های کلان امنیتی - دفاعی در چارچوب قدرت نرم ضرورت یافته است. ادعای یادشده با روش توصیفی، اسنادی و تحلیل ثانوی مورد کنکاش و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱۹۳

مطالعات
قدرت نرم

جهانی‌شدن فرهنگی و قدرت نرم...
سال اول، پیش‌شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، دکتری مطالعات ایران از دانشگاه تربیت مدرس M_lalalizadeh@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

کلیدواژه: تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی امنیت نظامی تک‌بعدی، قدرت سخت، امنیت چند جانبه، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی جدید

مقدمه

با تحول در حوزه اطلاعات و ارتباطات، انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه ۱۹۹۰ به وقوع پیوست. آثار و پیامدهای انقلاب اطلاعات حاوی شواهد آشکاری از تحول بنیادین در هزاره جدید است. رشد فناوری‌های الکترونیکی جدید نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت بسیاری از موانع و محدودیت‌های طبیعی و سیاسی را از بین برد و فشردگی زمان و مکان، زمینه نزدیکی فرهنگی و گردش آزاد اطلاعات را فراهم ساخت. ماهیت و ویژگی‌های رسانه‌های ارتباطی جدید از یک سو با افزایش آگاهی عمومی، کاهش کنترل دولت‌ها بر شهروندان و تقویت صدای شهروندان و حاشیه‌ای‌ها، و از سوی دیگر با دست‌کاری اطلاعات و تحریک افکار عمومی و گسترش فرهنگ و ارزش‌های خاص تحولاتی را در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف به دنبال داشته است. از این دید در دنیای جدید و در عرصه فرهنگی جهانی شدن، سوپرمارکتی از ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها وجود دارد که افراد بشر با برگزیدن بخشی از آن‌ها، هویت فردی خود را شکل می‌دهند. در این نگرش فرد با ابزارهای ارتباطی جدید می‌تواند به سوپرمارکت جهانی وارد شود و هر آنچه که مورد نیازش است، پیدا کند و هویت خویش را بسازد و شکل دهد. هرچند دیدگاه فوق به دلیل دید کاملاً فردگرایانه به هویت، چالش‌هایی را برای هویت جمعی فراهم می‌سازد اما با نگاهی دیگر به تحولات و دنیای جدید چالش‌ها و نگرانی‌ها بیشتر قابل درک خواهد بود؛ جهانی‌سازی به عنوان یک پروژه غربی در صدد سیطره و تسلط همه‌جانبه غرب و فرهنگ غربی بر جهان است. این پروژه با هدف یکسان‌سازی و همسان‌سازی فرهنگی در صدد تحمیل شیوه زندگی غرب بر سایر جوامع است تا از طریق آن از خودبیبگانگی و خودباختگی سایر ملت‌ها در برابر فرهنگ غربی آن‌ها را به تسلیم در برابر ابزارهای تبلیغی و ارتباطی خود وادارد. از مهم‌ترین حوزه‌ها و زمینه‌هایی که تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی دچار

چالش و تغییر شده، امنیت و دیپلماسی است. با فشردگی زمان و مکان امنیت در معنای سنتی و کلاسیک کم‌اهمیت شده است؛ اشکال نوینی از امنیت طرح شده است. بنابراین با بازنگری و بازتعریف امنیت، سیاستگذاری امنیتی با توجه به شرایط و فضای مجازی جدید ضرورت می‌یابد. علاوه بر این تحولات ناشی از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی اهمیت افکار عمومی و قدرت نرم را دو چندان ساخته است. بر این اساس است که از لزوم سیاستگذاری جدید در حوزه دیپلماسی تحت فضای سایبر سخن گفته می‌شود. غرب به سرکردگی آمریکا از طریق دیپلماسی عمومی جدید با استراتژی‌های نرم‌افزاری در این مسیر فعال است. تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی مهم‌ترین ابزار دیپلماسی عمومی جدید برای تقویت قدرت نرم است. این مکتوب بر آن است تا از یک سو نشان دهد که فضای امنیتی و دیپلماتیک جدید با ابزارها و اصول سنتی قدرت قابل پردازش، تحلیل و پاسخگویی نیست و از سوی دیگر با تحلیل شرایط جدید ضرورت استفاده و به‌کارگیری از اصول و معیارهای قدرت نرم را بیان کند.

جهانی شدن فرهنگی

واترز (Waters) مفر مذهبی، مفر قومی، مفر اقتصادی - مصرفی، مفر رسانه‌ای و مفر تفریحی - توریستی را از ابعاد جهانی شدن فرهنگ می‌داند (واترز، ۱۳۷۹: ۲۲۹). جهانی شدن در بُعد فرهنگی از جنبه‌های مختلف پیامدهای متفاوتی به همراه داشته است. برخی از پارادایم یکسانی فرهنگی در عصر جهانی شدن سخن می‌گویند، عده‌ای از پارادایم تضاد و برخورد و برخی تعامل فرهنگ‌ها را در عصر جهانی شدن مطرح می‌کنند. تاملینسون (Tomlinson) در کتاب *جهانی شدن و فرهنگ* دو دیدگاه در زمینه رابطه جهانی شدن با بعد فرهنگ را بررسی و نقد می‌کند: دیدگاه جهانی‌گرانه (Globalism) و دیدگاه محلی‌گرانه (Localism) (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۲۳۷ - ۲۰۵). تاملینسون نیز همانند رابرتسون از جهانی - محلی یا عام و خاص و دیالکتیک جنبه‌های دوگانه دیدگاه‌های یاد شده، دفاع می‌کند. در دید جهانی‌گرایانه و یکسانی فرهنگی با الهام از دهکده جهانی مک‌لوهان، جهانی شدن فرهنگ، پدیده‌ای جهان‌شمول در نظر گرفته می‌شود که تمام مرزهای ملی و قومی و محلی را از میان بر می‌دارد. در این دید از مک

دونالدی شدن، ارزش‌های عام و جهانی، شیوه زندگی مشترک و ... سخن به میان می‌آید. دیدگاه محلی‌گرا در چارچوب پارادایم تضاد، از برخورد بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها سخن می‌گوید؛ در این چارچوب با تضعیف دولت - ملت شاهد تشدید و تقویت هویت‌های محلی و قومی خواهیم بود.

در برابر این دو دیدگاه (عام‌گرایی و خاص‌گرایی)، رابرتسون (Robertson)، تاملینسون و گیدنز (Gidens) پارادایم ترکیبی - تعاملی و رویکرد عام - خاص به جهانی شدن فرهنگ را مطرح کرده‌اند. ورود به مباحث جهانی شدن فرهنگ و ابعاد آن توجه به تفاوت (خاص) و انسجام (عام) را می‌طلبد. گفته شد که واترز مباحث مذهبی، قومی، مادی - مصرفی، رسانه‌ای و تفریحی - توریستی را از ابعاد جهانی شدن فرهنگ محسوب می‌دارد. هویت جهانی، ملی و محلی و توسعه ارتباطات و فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی نیز در چارچوب مباحث جهانی شدن فرهنگی قرار می‌گیرند.

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی؛ بُعد فرهنگی جهانی شدن

تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی از دو بخش تکنولوژی‌های ارتباطی نظیر ماهواره‌ها، تلویزیون کابلی، کابل‌های نوری پهن باند، اینترنت و غیره و تکنولوژی‌های اطلاعاتی نظیر کامپیوترها، نرم‌افزارها و غیره تشکیل شده‌اند. در واقع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی طیف کاملی از تولید، توزیع و مصرف اطلاعات از طریق همه رسانه‌ها، از رادیو و تلویزیون تا ماهواره و اینترنت، را در بر می‌گیرد (Wilson III, 1998: 6). در این پژوهش مراد از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید، بیشتر شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت است.

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی هم تأثیرگذارند و هم تأثیرپذیر؛ این تکنولوژی‌ها هم شکل می‌دهند و هم شکل می‌گیرند. رابطه این تکنولوژی‌ها با پدیده‌های سیاسی از نوع کنش متقابل است. اما بررسی این مقاله محدود به بخش شکل‌دهنده و تأثیرگذار تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی است. بنابراین تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان متغیر مستقل و حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند. قدرت نرم استراتژی مواجهه و مقابله با این تأثیرگذاری است.

در نظر برخی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران، واژه جهانی‌شدن با فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی مطرح می‌شود و فرایند جهانی‌شدن به‌طور کل مباحث انقلاب ارتباطات و فضای مجازی را تداعی می‌کند. در واقع این بُعد فرهنگی جهانی‌شدن به دلیل اهمیت و عمق تأثیری که بر حوزه‌های مختلف دارد، باعث شده است تا برخی جهانی‌شدن را فرایند گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در مقیاس جهانی به همراه کسب آگاهی از این فرایند تعریف کنند. هر تعریفی که از فرهنگ و فرایند جهانی‌شدن فرهنگی ارائه دهیم، گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه‌های نوین از مهم‌ترین عوامل و شاخصه‌های آن (فرایند جهانی‌شدن فرهنگ) خواهد بود. تاملینسون، تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه‌ها را از ابعاد مهم جهانی‌شدن فرهنگی به‌شمار می‌آورد و می‌نویسد: «رسانه‌ها ... از شکل‌هایی است که در آن جهانی‌شدن به گونه‌ای فرهنگی تجربه می‌شود» (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۳۸). از نظر گیدنز نیز جهانی‌شدن ارتباطات و فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان مهم‌ترین شاخص به هم پیوستگی جهانی و تشدید روابط اجتماعی است. انقلاب ارتباطاتی و اطلاعاتی امکان به هم پیوستن و در هم تنیدن روابط اجتماعی سرزمین‌های مختلف را فراهم می‌کند. از نظر او در جهان مجازی و سایر تمامی مناطق دور و نزدیک جهان به هم مربوط و پیوسته‌اند و این ارتباط و پیوستگی‌ها، آگاهی‌ها و هویت‌های نو را شکل می‌دهد و بنیاد زندگی اجتماعی بشر را در عرصه‌های مختلف دگرگون می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۰-۳۸).

رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباطی جمعی، ماهواره و اینترنت، موجب فشردگی زمان و مکان و نزدیکی فرهنگی کشورها شده است. هم‌زمان با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی تحولاتی در عرصه‌های مختلف رخ داده است. این تحولات موجب شده است تا جهانی‌شدن با ارتباطات و فناوری‌های جدید عجین شود. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان موتور محرکه جهانی‌شدن در نظر گرفته می‌شود. سرعت رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی سبب شده که برخی از دهکده جهانی، شهروندی جهانی و جامعه مدنی جهانی صحبت کنند.

در مجموع، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از اشکال و شاخص‌های مهم جهانی شدن فرهنگ محسوب می‌شوند و جهانی شدن وسایل مدرن ارتباطی بخشی از فرایند جهانی شدن فرهنگ است. جهانی شدن و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی تأثیر متقابل بر هم دارند. فناوری‌های جدید با حذف فاصله‌ها و نزدیک ساختن فرهنگ‌ها به عنوان ابزار اساسی و موتور محرکه جهانی شدن عمل می‌کنند. انقلاب اطلاعات و ارتباطات زمینه ساز جهانی شدن می‌شود و فرصتی مناسب برای گفت‌وگوی سنت‌ها و فرهنگ‌ها را پدید می‌آورد. بر این اساس است که فرایند جهانی شدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را تداعی می‌کند. از سوی دیگر جهانی شدن نیز زمینه گسترش فزاینده فناوری‌های جدید و توسعه ارتباطات جمعی را فراهم می‌کند. از این دید حوزه‌های اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به حوزه فرهنگی جهانی شدن (و بُعد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی آن) تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند.

پیدایش فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی و پیامدهای نظری آن

هارولد لاسول از نخستین نظریه‌پردازان ارتباطی، عناصر اصلی ارتباط را با جمله معروف زیر ارائه می‌کند: «چه کسی، به کی، چه می‌گوید، در کدام کانال یا از چه طریق و با چه اثر و تأثیری (With what effect) می‌گوید».

درباره آخرین سؤال لاسول، یعنی با چه اثری؟ نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در زمینه تأثیر پیامدها و دستاوردهای وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی ارائه شده است. قبل از بررسی نظریه‌های مختلف در باب تأثیر فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، اشاره به دو رمان مشهور درباره آینده فناوری‌های جدید به فهم این نظریه‌ها کمک خواهد کرد. رمان ۱۹۸۴ جرج اورول (خبرنگار و نویسنده انگلیسی)، دیدگاهی تاریک از آینده انقلاب ارتباطات ارائه می‌کند. آینده‌ای که اورول در این کتاب به تصویر می‌کشد، جهانی کابوس‌آسا است که در آن حکومت‌های دیکتاتوری همه جنبه‌های زندگی را کنترل و اداره می‌کنند. در این دنیای تصویر شده به وسیله اورول، فردیت انسان سرکوب می‌شود. همه افراد زیر کنترل یک حزب بزرگ

قرار دارند، وسایل شنود الکترونیکی در همه جا پنهانی کار گذاشته می‌شوند و مردم تحت کنترل قرار می‌گیرند.

بر اساس این دید منفی نسبت به فناوری‌های جدید، انقلاب ارتباطات و رایانه علاوه بر تهدید آزادی‌های مدنی، شکاف اطلاعاتی را به همراه خواهد داشت. تقسیم جوامع به دارندگان اطلاعات و ندارندگان آن، دسته اخیر را به سوی فقر در زمینه‌های مختلف خواهد کشاند.

کتاب *دنیای نودلور* نوشته‌ها کسلی، آینده‌ای پر از خیر و برکت، رفاه، جهانی با ارتباطات آنی، دانش و خرد نامحدود، راحتی، آسایش و... را پیش‌بینی می‌کرد (کاکو، ۱۳۸۱: ۱۸۴ و ۳۶۰).

علاوه بر دو کتاب یاد شده، لیدمن نویسنده کتاب *در سایه آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته* درباره نگاه دو نویسنده به کامپیوتر می‌نویسد:

آلون فیزیک‌دانی است که از بیرون به کامپیوتر نگاه می‌کند و از تهدید آزادی فکری شهروندان از جانب دولت به کمک تکنیک سخن می‌گوید. زمانی که آلون از نابود کردن توان ذاتی شهروندان برای آزاد اندیشیدن می‌گوید، همان هراسی را به ذهن متبادر می‌سازد که اورول در داستان ۱۹۸۴ توصیف می‌کند به ذهن متبادر می‌سازد. در مقابل این نگاه تیره از آینده، لیدمن به کتاب بیل گیتس، بنیان‌گذار میکروسافت، و محصول ساخت خود وی اشاره می‌کند. گیتس در "راه پیش رو" خطر تجاوز به حریم خصوصی را رد می‌کند و معتقد است فرد همچنان خودمختار باقی می‌ماند (لیدمن، ۱۳۸۷: ۸-۴۰۷).

این دوگانگی‌ها را می‌توان به شکل سؤالات زیر نیز صورت‌بندی کرد: «آیا انسان بر فناوری‌ها مسلط می‌شود یا برعکس؟ آیا افسون‌زدایی رخ می‌دهد یا یک افسون‌زدگی جدید ظهور می‌کند؟ فناوری‌های جدید به‌ویژه اینترنت مسیح است یا شیطان؟^۱ (ابو، ۱۳۸۵) تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی دردند یا درمانگر؟ تأثیرات فناوری‌های جدید مثبت است یا منفی؟ فضای مجازی فرصت‌آور است یا تهدیدزا؟ نگاه به آینده با توجه به رشد و گسترش فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی خوش‌بینانه است یا

۱. اقتباس از کتاب *امپریالیسم سایبر*، نوشته بوسابو.

بدبینانه؟ برای پاسخ به سؤالات یاد شده، اثرات و پیامدهای تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را به سه رویکرد کلی بدبینانه، خوش‌بینانه و ترکیبی تقسیم می‌کنیم.

۱. رویکرد انتقادی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی

از نظر این گروه از نظریه‌پردازان، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی نتایج و پیامدهای منفی به همراه دارند. به باور برخی از این افراد، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی مایه تحقیر و تزییع نابرابری و شکاف اطلاعاتی خواهند انجامید. امپریالیسم فرهنگی جدید و امپریالیسم سایبر را برخی از زندگی اجتماعی هستند. از این دیدگاه، کنش‌های متقابل اجتماعی، خودمختاری و استقلال کارشناسان و متخصصان در حال نابودی است.

رویکرد انتقادی به فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی، تجاوز به حریم خصوصی توسط این فناوری‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است با گسترش این فناوری‌ها، دموکراسی مشارکت‌جویانه و آزاد از بین می‌رود. برخی از نظریه‌پردازان در همین چارچوب، از زوال و تضعیف ارزش‌های اخلاقی، تضعیف همبستگی‌ها و تفاهمات، تضعیف حاکمیت ملی، تضعیف دموکراسی و آزادی بیان و ... سخن گفته‌اند.

۲. رویکرد ایجابی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی

نظریه‌پردازان در این رویکرد به تغییرات و پیامدهای مثبت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی تأکید می‌کنند. افزایش فرصت‌ها، گسترش و فراگیری دموکراسی، نفی دیکتاتوری و استبداد، گسترش آزادی‌ها، تأمین و توسعه حقوق بشر، افزایش ارتباطات و تساهل و مدارا و... از مهم‌ترین پیامدهای جامعه اطلاعاتی و عصر ارتباطات است.

۳. رویکرد تلفیقی

ترکیب رویکردهای مثبت و منفی، ایجابی و سلبی، خوش‌بینان و بدبینان، همگن‌انگاران و ناهمگن‌انگاران، موافقان و مخالفان، هراسندگان و مشتاقان و منتقدان و شیفتگان درباره فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی محور نظریه‌پردازان این رویکرد است.

این رویکرد به فرصت‌ها و چالش‌های تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی اشاره دارد. تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی هم تحول‌آفرین است و هم فرصت‌سوز. از دید نظریه‌پردازان رویکرد ترکیبی، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در توسعه و گسترش دموکراسی، مهار قدرتمندان و سیاستمداران، گسترش آزادی و حقوق بشر و همبستگی و یکپارچگی مثبت نقش بسزایی دارند؛ لیکن در کنار این تأثیرات مثبت، ابزارها و امکانات جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی تفرقه، تضعیف ارزش‌های سنتی و اخلاقی، نابرابری و شکاف، سودگرایی و مصرف‌گرایی، تعاملات نامناسب و ناشناخته و... را نیز به همراه خواهد داشت.

تبدیل شدن اطلاعات به مرکز تصمیم‌گیری، کاستن از محدودیت زمانی و مکانی، فراگیری تأثیرات فناوری‌های جدید، سرعت، تمرکززدایی، تنوع‌بخشی و انبوه‌زدایی، انعطاف‌پذیری و شفافیت و علنی بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی به شمار می‌آیند.

فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی با ویژگی‌های یاد شده، نتایج مثبت زیر را به همراه داشته است:

۱. مرگ فاصله‌ها و پایان جغرافیا (کاهش نقش مکان و جا به معنای سنتی) که ارتباطات بهتر و کم‌هزینه‌تر را با جامعه شبکه‌ای فراهم ساخته است؛
۲. شبکه‌های فرهنگی ارتباطی جایگزین ساختارهای سخت و محکم و انعطاف‌ناپذیر شده است؛
۳. گسترش تفکرات، ایده‌ها، بالارفتن بردباری با این گسترش تفکرات و ایده‌ها و افزایش دانش و آگاهی؛
۴. تقویت فرهنگ‌های ناشناخته یا فرهنگ‌هایی که از رواج کمتری برخوردار بودند یا در حاشیه قرار داشتند؛
۵. افزایش همکاری، تعامل و تبادل؛
۶. افزایش تعادل و دوری از افراط و تفریط‌ها؛
۷. افزایش تحمل و انعطاف‌پذیری؛

۸. بالارفتن ظرفیت‌ها و تکرپذیری؛
 ۹. افزایش زمینه بازتولید آگاهی‌های بشری؛
 ۱۰. ارتقای امکانات میانجی‌گرایانه هویت‌های ملی در برابر هویت فراملی و فروملی؛
 ۱۱. افزایش قدرت انتخاب مخاطبان؛
 ۱۲. افزایش اطلاعات و آموزش به ملت‌ها و آگاه ساختن ملل نسبت به سنت‌های ریشه دار ملی؛
 ۱۳. جایگزینی دیپلماسی علنی و عمومی (نقش و تأثیر افکار عمومی، مطبوعات و...) به جای دیپلماسی سنتی؛
 ۱۴. کمک به پیشبرد سیاست‌های ملی و افزایش سطح مشارکت اجتماعی و ایجاد شرایط مناسب برای حل و فصل بحران نفوذ، مشارکت، هویت و مشروعیت؛
 ۱۵. توسعه شهرنشینی، ارتقای سطح سواد، افزایش درآمد سرانه و تقویت پیوندهای اجتماعی بین جوامع؛
 ۱۶. تسهیل همگرایی سیاسی در داخل جوامع و بین ملت‌ها در صحنه بین‌المللی (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۰ و ۳۴؛ عیوضی، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۲۵؛ مقصودی، ۱۳۷۶: ۵۶).
- علاوه بر تأثیرات مثبت فوق، نتایج منفی این فناوری‌ها را به صورت زیر می‌توان فهرست کرد:
۱. افزایش تعارضات ساختاری و دوگانگی هویت؛
 ۲. یکسان‌سازی فرهنگی قدرت نرم و دیپلماسی عمومی؛
 ۳. تقویت گرایش‌های گریز از مرکز (فروملی و فراملی) و اخلال در روند وحدت ملی؛
 ۴. ایجاد اختلاف و شکاف میان ملت‌ها به سبب ملی‌گرایی افراطی، ایدئولوژی‌های متضاد و در نهایت بروز شکاف فرهنگی؛
 ۵. یکپارچگی افقی گروه‌ها و طبقات و تشدید دو قطبی؛
 ۶. تضاد با ارزش‌ها، باورها و...؛
 ۷. تضعیف پیوندهای سنتی از طریق تقویت و تبلیغ ارزش‌های غربی و کمک به استحاله فرهنگی؛
 ۸. بهره‌برداری تبلیغاتی و انتشار اخبار غیرواقع تحریف شده؛

۹. ایجاد نخبگان سیاسی و فرهنگی وابسته به جریان‌ها خودساخته از طریق شبکه ارتباطی؛
۱۰. ایجاد فرهنگ سلطه و مصرف‌گرایی و کاهش نقش فرهنگ‌های بومی و محلی (مقصودی، ۱۳۷۶: ۵۸؛ دهشیری، ۱۳۷۹: ۹۶-۷۱).

ضرورت سیاستگذاری جدید

بررسی پیامدها و تأثیرات جهانی شدن و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی حاکی از آن است که الگوهای سنتی سیاستگذاری در حوزه امنیتی و دیپلماسی پاسخگوی شرایط جدید نیست. سیاستگذاری جدید الزامات خاصی را می‌طلبد. با گسترش رسانه‌های جدید و اهمیت آن‌ها به عنوان قدرت نرم، فشار افکار عمومی اهمیت یافته است. امنیت سنتی در چارچوب دولت ملی با اولویت قدرت نظامی کم اهمیت شده است. امروزه رسانه‌های جهانی یک حادثه محلی و منطقه‌ای را به سرعت جهانی می‌کنند. نیروهای جامعه مدنی جهانی و شهروندان فراملی فشار نرم و تهدید نرم را برای پیشبرد اهداف خویش برگزیده‌اند. بر این اساس است که امروز با اشکال جدیدی از امنیت مواجه هستیم: امنیت زیست محیطی، امنیت زنان، و... وقوع جنبش‌های جدید اجتماعی با ویژگی‌های خاص خود نیز در این چارچوب قابل ارزیابی است. بنابراین با تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی دو روند فراملی و فروملی ماهیت دولت‌ها را تغییر داده است. عوامل امنیت‌زدایی جدیدی همچون اکولوژیست‌ها، گرم‌شدن کره زمین، نازک شدن لایه اوزون، باران‌های اسیدی، پدیده مهاجرت و... مطرح شده‌اند. تهدیدات سنتی و نظامی ماهیت فرهنگی به خود گرفته‌اند و در چارچوب اصول و مؤلفه‌های نرم‌افزارانه و فرهنگی عمل می‌کنند. بدیهی است که شرایط فرهنگی و مجازی جدید، استفاده از روش‌ها و راهبردهای جدیدی از مبارزه را ایجاب کرده است که در چارچوب استراتژی قدرت سخت‌افزاری که مستلزم به‌کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی از جانب نیروهای مسلح است، قابل تعریف و تحلیل نیست. فضای نرم‌افزارانه و مجازی - فرهنگی جدید استفاده از راهبردها و استراتژی‌های نرم‌افزاری را ضروری ساخته است. استراتژی‌های جدید به‌کارگیری سلاح نظامی را تجویز نمی‌کند. این راهبرد جدید در جهت کاهش آسیب‌پذیری کشور، ارتقا پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران

در مقابل تهدیدات دشمن، نهادهای مختلف و شهروندان را فعال می‌سازد. استفاده از ابزارها و اقدامات غیرمسلحانه و تأکید بر دفاع پیشگیرانه و مدیریت پیش از بحران به خوبی اصول راهبرد جدید را تبیین می‌کنند. بازتعریف امنیت و دیپلماسی و تأکید بر چهره جدید امنیت و دیپلماسی عمومی جدید، با اذعان به اهمیت قدرت نرم و افکار عمومی با توجه به فضای مجازی جدید در راستای راهبرد قدرت نرم‌افزاری قابل تشریح نیست.

چهره جدید امنیت

امنیت در بُعد داخلی در نظام وستفالی به شکل ابتدایی و بیشتر وابسته به امپراتوران و پادشاهان بود. امنیت وابسته به خانواده‌ای بود که در رأس قدرت بود. در این دوره، شهروند معنا و مفهومی نداشت. همزمان با شکل‌گیری نظم وستفالی و ظهور و توسعه دولت‌های مدرن مردم از یک موضوع حکومت‌شونده به یک شهروند تغییر یافتند. با انتقال حاکمیت از حکمرانان به مردم، حاکمیت به عنوان ویژگی اصلی دولت درآمد. در چنین شرایطی امنیت به حوزه‌ای اطلاق می‌شد که دولت‌ها همدیگر را تهدید می‌کردند؛ دولت‌ها حاکمیت همدیگر را به چالش می‌طلبند؛ امیال خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند و از استقلال خود دفاع می‌کنند. بنابراین با شکل‌گیری دولت - ملت‌ها، سرزمین به عنوان فضایی امنیتی برای رفتار دولت‌ها عمل می‌کرد. اما ظهور انترناسیونال اول و دوم و سپس در دوران جنگ سرد گفتمانی دیگر در کنار گفتمان دولت - ملت‌ها و در تعارض با آن در حال شکل‌گیری بود. به نوعی می‌توان گفت دوران جنگ سرد، دوره گذرا از پارادایم دولت ملت‌ها و چهره سنتی امنیت، به پارادایم جهانی‌شدن و شکل‌گیری مفهوم جدید از امنیت است (قوام، ۱۳۸۲: ۲۰۷-۱۹۶).

سریع بودن، جهانی بودن، ارزان بودن، نابرابر بودن، حضور همه‌جایی، بی‌مکانی و تسخیر زمان و سایر ویژگی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، مفهوم سنتی و کلاسیک امنیت را با چالش مواجه ساخت و باز تعریف از مفهوم امنیت را ضروری کرد. امنیت به مفهوم سنتی نگاه ملی داشت و بر توانایی‌های نظامی دولت‌ها تأکید داشت (برترتن، ۱۳۸۰: ۵۹) جهانی‌شدن در حوزه فنی و تکنولوژیک جابه‌جایی اطلاعات را

بسیار آسان کرد. مرزهای دولتی و دیگر خطوط بین بازیگران غیردولتی، کنشگران قومی، ملی و فراملی را نفوذپذیر و مبهم کرد. فراگیری اطلاعات باعث رشد جوامع اطلاعاتی می‌گردد و این آسیب‌پذیری ملی را به همراه خواهد داشت. بنابراین در این شرایط است که مفهوم نرم‌افزاری امنیت طرح می‌شود (همان، ۱۳۸۰: ۶۱).

تحولات عظیم در حوزه‌های فناوری، ظهور جوامع مجازی و شبکه‌ای سبب شد تا مرزهای سنتی تحت عنوان سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی برداشته شوند و این ارتباطات میان بخش‌های مختلف نظام بین‌الملل را سهل‌تر کرد. بنابراین، ظهور این تحولات شگرف تهدیدات و فرصت‌هایی را برای کشورها و بازیگران محلی، ملی و فراملی فراهم آورد و متعاقب آن تحول و بازسازی مفهوم امنیت را نیز ضروری کرد.

دیوید آلبرتس و دانیل پاپ در کتاب *گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات*، در بخش آثار اینترنت بر امنیت ملی در عصر اطلاعات، تأثیرات اینترنت بر امنیت ملی را به صورت زیر فهرست می‌کنند:

۱. اینترنت به انتشار اطلاعات کمک می‌کند؛ ۲. اینترنت به انتشار اطلاعات گمراه‌کننده کمک می‌کند؛ ۳. اینترنت به انتشار اطلاعات رمزگذاری شده کمک می‌کند؛ ۴. اینترنت فرصت‌هایی برای خراب‌کاری سیستم‌های رایانه‌ای و دیگر زیرساخت‌ها فراهم می‌کند؛ ۵. اینترنت وابستگی همگانی به شبکه‌ای یکپارچه به وجود می‌آورد و ممکن است در تضعیف حاکمیت ملی سهمیم باشد (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵: ۹-۱۶۷).

در مجموع، عوامل متعدد بر توانمندی دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف امنیت ملی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، عوامل مؤثر بر امنیت ملی را می‌توان به عوامل محسوس مانند ثروت، جغرافیا، نیروی نظامی، زیرساخت حمل و نقل، سیستم‌های ائتلاف، اتحاد و غیره و عوامل نامحسوس و ذهنی نظیر راهبرد ملی، توانمندی‌های سازمانی، دانش علمی - فنی، تهدید رؤیت شده، توانمندی‌های رهبری و اراده و روحیه ملی و ... تقسیم کرد. در عصر اطلاعات با ویژگی‌هایی که تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به همراه می‌آورند، اهمیت عناصر و عوامل نامحسوس و ذهنی روز به روز در حال افزایش است. بنابراین، شاهد دگرذیسی مفهوم و ماهیت امنیت از یک سو و از سوی دیگر،

دگرگونی جغرافیایی این مقوله هستیم: «ماهیت تهدیدها و در نتیجه ماهیت امنیت تغییر کرده و افزون بر این، جنگ‌ها از سطح میان دولتی به سطح غیردولتی کشیده شده است. افزون بر تهدید سنتی که عمدتاً ماهیتی نظامی داشت، تهدیدهای اقتصادی، زیست محیطی - منابع و سیاسی - فرهنگی گسترش یافته است» (راجرز، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

با جهانی شدن و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی تهدیدات از بُعد جهانی به داخلی منتقل می‌شود و این زمینه را برای تحول در مفهوم قدرت فراهم ساخت. در سیستم دولت - ملت و ستفالی قدرت از بالا به پایین بود و دارندگان قدرت (حاکمان سیاسی) آن را بیشتر در شکل خشونت و اعمال زور و سلطه بر شهروندان اعمال می‌کردند. در این شکل از قدرت حکمرانان سیاسی کشور قدرت را اساساً در قالب سخت‌افزاری در نظر می‌گرفتند و آن را هم در ارتباط با شهروندان داخلی و هم در ارتباط با قدرت‌های خارجی به کار می‌بردند در حالی که جهانی شدن، قدرت را از جنبه‌های گوناگون متحول کرد: شکل سخت‌افزاری قدرت به نرم‌افزاری تغییر یافت. در اثر تحولات شگرف اطلاعاتی و ارتباطاتی مفهوم داخل و خارج کم‌رنگ شد؛ بنابراین، ماهیت قدرت نیز دگرگون شد. جهانی شدن با فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی خود موجب انتقال قدرت از ید انحصاری حاکمان ملی خارج شد و در اختیار طیفی از افراد، گروه‌ها و بازیگران غیر دولتی قرار گرفت. در جامعه مجازی و شبکه‌ای منابع اطلاع‌رسانی متنوع و متعدد به صورتی مستقل و آزادانه در اختیار شهروندان قرار گرفت و این موجب ارتباط انسان‌ها به صورت فرامرزی شد و به دنبال آن شکل‌گیری مبنای جدیدی از هویت را شاهدیم.

تحولات فوق به تحول مفهوم امنیت و قدرت نیز منجر شد: «با جهانی شدن چارچوب قدرت سیاسی در حال تحول بوده و بنا به تفسیر استوارت آر. کلگ، تحولی گفتمانی را می‌آزماید که در آن ارتباطات از اولویت نخست در فهم و کاربرد قدرت برخوردار است» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۶).

قدرت نرم

قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است. توان شکل دهی به ترجیحات و اولویت‌ها با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذابی مرتبط است که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شوند. قدرت نرم، قدرت جذب کردن است و منابع آن نیز مقوله‌هایی هستند که این جاذبه‌ها را ایجاد می‌کنند (Nye, 2004: 6-7).

قدرت نرم در هر کشوری از سه منبع نشئت می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج مطابق انتظار آن‌ها باشد) و سیاست‌های خارجی آن کشور زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شود. (Ibid: 11). رسانه‌های جدید از منابع عمده تهدید و فرصت نرم محسوب می‌شوند. تکنولوژی‌های جدید ارتباطی با ویژگی‌هایی که دارند به خوبی نقش تحول در فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی را انجام می‌دهند. تهدید نرم در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی وجود دارد. به ویژه در حوزه فرهنگی - اجتماعی با نفوذ ارزش‌های خاص امپریالیسم فرهنگی را بر کشورها و بازیگران تحمیل کرده است.

برای پیش‌بردن اهداف یادشده در حوزه‌های مختلف و در راستای تقویت منابع نرم افزاری قدرت، دیپلماسی عمومی نقش تعیین‌کننده دارد. دیپلماسی عمومی اهداف دولت‌ها را از طریق تبلیغ و ارائه تصویر مثبت از آن‌ها پیش می‌برد؛ انتقال اطلاعات و ارائه تصویر مثبت بخشی از دیپلماسی عمومی است. اگر سیاست‌های دولت برای اعمال قدرت نظامی با دیپلماسی اجبار، جنگ و اتحاد است، برای اعمال قدرت نرم، استفاده از دیپلماسی عمومی ضرورت می‌یابد. در واقع از روش‌ها و ابزارهای تهدید نرم، دیپلماسی عمومی است.

دیپلماسی عمومی جدید

با توجه به سیر تاریخی و تحولات تکنولوژیک، دیپلماسی به دیپلماسی سنتی و دیپلماسی عمومی جدید قابل تقسیم است. دیپلماسی سنتی متکی بر روابط دولت‌ها با یکدیگر

بود؛ حاکمان و مأموران دیپلماتیک با هم ارتباط داشتند؛ دیپلماسی مبتنی بر روابط رسمی بود و با توجه به شرایط مخفی و مبهم بود و به صورت کاملاً محدود منتشر می شد. در این دیپلماسی مردم و افکار عمومی نقشی نداشتند بنابراین دولت‌ها نیز نیازی به جلب آرای و افکار مردم نمی‌دیدند. به مرور زمان دیپلماسی جنبه آشکار و علنی پیدا کرد. در دوران جدید افکار عمومی و عقاید عمومی نقش بالقوه‌ای در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند. حتی نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی می‌کوشند برای مشروعیت بخشیدن به تصمیم‌های خود حداقل نتیجه مذاکرات و داده‌های سیاست خارجی خود را در معرض افکار عمومی قرار دهند. بر این اساس دیپلماسی جدید شکل گرفت؛ در دیپلماسی جدید نقش افکار عمومی برجسته می‌شود. کاربرد اصطلاح دیپلماسی عمومی جدید در مقابل دیپلماسی کلاسیک در این راستا قابل تبیین است. در روند گرایش به سمت دیپلماسی عمومی جدید فرایند جهانی شدن، تحولات تکنولوژیک و به‌ویژه ظهور و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید نقش داشته‌اند؛ پروژه جهانی‌سازی برای جلب و جذب افکار عمومی با ابزارهای جدید رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی جدید را برگزید.

اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ توسط ادmond گالیون دیپلمات بازنشسته آمریکایی در زمینه اطلاع‌رسانی و روابط فرهنگی به کار رفت. رواج گسترده این اصطلاح در آمریکا به این سیاست بر می‌گردد که آمریکا نیازمند جایگزینی دلپذیر برای واژگانی مانند تبلیغات و جنگ روانی بود تا با این وسیله میان اقدامات دموکراتیک خود در زمینه اطلاع‌رسانی و سیاست‌های تعقیب شده از سوی اتحاد جماهیر شوروی تمایز آشکارتری را به وجود آورد. به همین دلیل است که عده‌ای دیپلماسی عمومی را چنین تعریف کرده‌اند: ارتقای منافع، فرهنگ و سیاست‌های آمریکا از طریق اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر جوامع خارجی (اپستین و مگز، ۱۳۸۷: ۱۲۴). در تعریف دیگر از دیپلماسی عمومی آمده است: تلاش یک دولت برای برقراری ارتباط با عموم یک جامعه دیگر تا طی این تلاش ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و عقاید جامعه خود را برای آن‌ها توضیح دهد و بدین ترتیب، رابطه، وجهه و شهرت خود را در آن کشور

بهبود و ترمیم بخشد (فاوتس به نقل از: تیلر، ۱۳۸۷: ۶۹). برخی دیپلماسی عمومی را چنین تعریف کرده‌اند: تلاشی است از سوی بازیگران بین‌المللی برای مدیریت محیط بین‌المللی که از طریق کار با عموم یک ملت خارجی صورت می‌پذیرد (کال، ۱۳۸۷: ۱۳).

تعاریف یادشده از دیپلماسی عمومی حاوی نکاتی است که از تغییرات جدید در عصر جدید حکایت دارند؛ بازیگران جدید ظهور کرده‌اند و سازمان‌ها و نهادهای مردمی یا در ارتباط با مردم اهمیت ویژه یافته‌اند؛ مکانیزم‌های ارتباطی بازیگران برای برقراری و جلب اعتماد مردم تغییر کرده است؛ این تغییر با توجه به ویژگی‌های رسانه‌های جدید به سمت فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در حرکت است؛ ابزارهای جهانی شدن نظیر ماهواره و اینترنت در این راستا اهمیت فراوانی پیدا کرده است؛ این فناوری‌های جدید خطوط انعطاف‌ناپذیر گذشته میان حوزه‌های خبری داخلی و بین‌المللی را کم‌رنگ ساخته است. بنابراین دیپلماسی عمومی به جای بکارگیری از مفاهیم کهنه تبلیغاتی از مفاهیمی جدید و نرم‌افزاری استفاده می‌کند؛ مفاهیمی که ریشه در نظریه‌های ارتباطات شبکه‌ای، فضای مجازی و سایبر دارند، اهمیت پیدا کرده است؛ ظهور واژگان جدید نظیر قدرت نرم و قدرت هوشمند در این راستا طرح شده‌اند. روش‌های سنتی و کلاسیک کم‌اهمیت شده‌اند و در روش‌های جدید تأکید بر تماس مردم با مردم برای روشننگری‌های دوجانبه است. پیام‌رسانی از بالا به پایین رو به فراموشی است و با تکیه بر روابط افقی بین بازیگران، دیپلماسی عمومی جدید رابطه سازی را وظیفه اصلی خود می‌داند. از این رو مقایسه دیپلماسی سنتی با جدید به درک بهتر دیپلماسی عمومی کمک می‌کند. دیپلماسی سنتی غالباً بر قدرت سخت یعنی استفاده از توان نظامی یا اقتصادی برای دستیابی به اهدافش تکیه دارد. اما دیپلماسی عمومی غالباً از قدرت نرم یعنی نیروهای فرهنگی، سیاسی، آموزشی استفاده می‌کند. دیپلماسی عمومی موجب می‌شود تا افکار و ایده‌هایی مورد تحسین قرار گیرند. با قدرت نرم می‌توان بر ذهن و قلب جوامع حکومت کرد. از این رو است که گفته می‌شود قدرت نرم می‌تواند تأثیرات سختی داشته باشد.

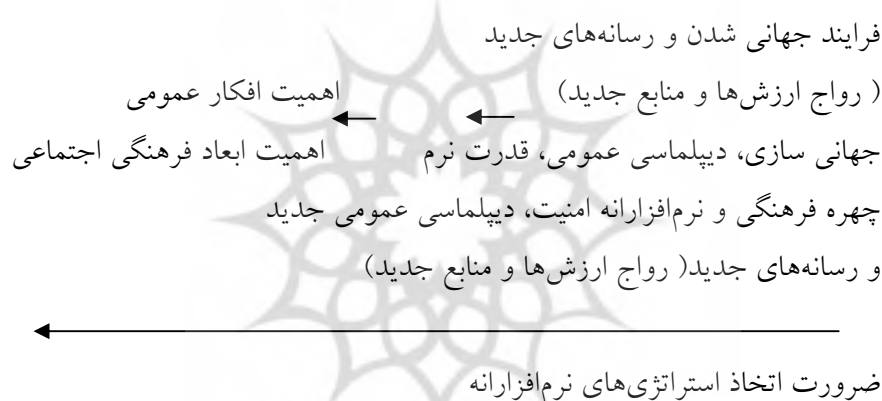
در دیپلماسی سنتی و رسمی ارتباط میان نخبگان بود اما در دیپلماسی عمومی تأکید بر ارتباط با نخبگان عموم جوامع خارجی و افکار عمومی جهان است. در دیپلماسی عمومی تعامل نه تنها با دولت‌ها بلکه با افراد و سازمان‌های غیردولتی است. مجریان دیپلماسی عمومی با بخش‌هایی از عموم مردم در کشورهای خارجی سروکار دارد تا بدین طریق حمایت ایشان را نسبت به اهداف راهبردی خویش جلب نمایند. اکنون خطوط مقدم دیپلماتیک با محافل آرام و بی‌صدا یا اتاق‌های در بسته جلسات، هتل‌های مجلل یا کاخ‌های با شکوه فاصله گرفته‌اند. به همین اندازه امروز احتمال دارد دیدارهای دیپلماتیک در یک پاتوق، اتاق گپ (چت روم) و یا یک وب‌نوشت برگزار شوند. بسیاری از ویژگی‌های یادشده به تکنولوژی‌های جدید ارتباطی مربوط می‌شوند. از لحاظ محیط فناوری، ماهواره، اینترنت، اخبار لحظه‌به‌لحظه، تلفن‌های همراه اهمیت پیدا کرده‌اند؛ قدرت نرم با استفاده از رسانه‌های جدید برای برقراری رابطه افقی بین بازیگران اهمیت اساسی پیدا کرده است. همه این امور با شکل‌گیری فضای جدید یعنی فرایند جهانی‌شدن از یک سو و پروژه جهانی سازی از سوی دیگر قابل تبیین است. با توجه به این فضای جدید، دیپلماسی عمومی را می‌توان به بازاری تشبیه کرد که میدانی جهانی دارد و در این بازار، اندیشه و عقاید مبادله می‌شوند. دیپلمات‌ها هم به سوداگرانی در این بازار مبدل می‌شوند. در این بازار القا و تحمیل عقاید و آرای برای رسیدن به اهداف با قدرت نرم صورت می‌گیرد؛ چرا که قدرت نرم بر ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند. با روش‌های ارضایی و اغنایی می‌توان بر ذهن و قلب مردم سیادت کرد بنابراین هدف اولیه قدرت نرم تأثیرگذاری بر افکار عمومی در داخل و خارج کشورهاست. بهترین شیوه تأثیرگذاری قدرت نرم با رسانه‌های جدید؛ تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی صورت می‌گیرد.

بحث، نتیجه و پیشنهادهای راهبردی

در عصر سایبر استراتژی‌ها تغییر کرده است؛ امنیت نرم‌افزارانه و چندجانبه، دیپلماسی عمومی، سایبر دیپلماسی (Syber-diplomacy)، قدرت نرم (Soft power)، استفاده از راه حل‌های سیاسی - فرهنگی و روش‌های مسالمت‌آمیز، متساهلانه و منعطف و تأکید

بر اهمیت افکار عمومی در انتخاب استراتژی‌های عصر جدید در چارچوب انتخاب عاقلانه مؤثرند (; 229-308: Gottlieb& Jenkins, 2007; Utascarlsson, 1999; See: 2002 Potter, 2006; Roy, 2005; Heiberg, 2007: 387-426). عصر ارتباطات همچنین عصر تغییر پدافند است؛ در عصر جدید با تحولات و دگردیسی‌های ناشی از تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی، نگاه به پدافند نیز تغییر کرده است. بخش عمده جاذبه‌های جدید و بعضاً کاذب و سیطره فرهنگی از طریق رسانه‌های جدید صورت می‌گیرد؛ در واقع رسانه‌های جدید آینه تمام‌نمای قدرت نرم هر کشور است. به نتایج منفی فناوری‌های جدید اشاره شد؛ یکسان‌سازی فرهنگی با قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و تضاد ارزش‌ها و باورها و ... با نشر و رواج مفاهیم و ارزش‌های جدید، احساس ناامنی، عدم اطمینان، اضطراب و عدم ثبات را برای فرهنگ‌ها، مردم و بازیگران به همراه می‌آورد. تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی با پیامدها و تأثیرات مثبت و منفی یادشده، زمینه‌ساز تغییر و تحول در مفاهیم، مؤلفه‌ها و حوزه‌های مختلف شده‌اند. ویژگی‌ها و پیامدهای رسانه‌های جدید مفهوم کلاسیک امنیت که مبتنی بر اولویت قدرت نظامی بود را به چالش طلبیده است. چهره جدید امنیت با تأکید بر ائتلاف‌های چندجانبه و اولویت قائل شدن برای قدرت نرم، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اشکال جدیدی از امنیت، تهدید و فرصت را برای بازیگران به وجود آورده است که با استراتژی‌های سنتی و تأکید بر به‌کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی نمی‌توان در مقابل آن ایستاد و یا از فرصت‌های آن استفاده کرد. ضرورت استراتژی پدافند غیر عامل با تأکید بر روش‌ها و ابزارهای غیرنظامی و غیرخشونت‌آمیز در این راستا ضرورت و اهمیت یافته است. اهمیت افکار عمومی، قدرت نرم و لزوم استفاده از استراتژی‌های نرم‌افزارانه و فرهنگی، زمینه‌ساز گسترش طرح و اجرای دیپلماسی عمومی جدید در عصر قدرت و سیطره سایبر بوده است. این مکتوب با ترسیم جهانی شدن فرهنگی و تأثیرات آن و تشریح تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در ذیل این بُعد جهانی شدن، پیامدهای نظری فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی تبیین کرد. تبیین این پیامدها و تأثیرات فضای جدید، با نشان دادن تغییر و تحول

رویکردها، شرایط، الگوها و سیاستگذاری‌ها، ضرورت بازنگری در حوزه امنیت چندجانبه، قدرت نرم و تغییر دیپلماسی به سمت دیپلماسی عمومی جدید و اهمیت افکار عمومی و ویژگی‌های این شکل از دیپلماسی، ذکر شد. هدف از تشریح تغییرات یادشده این بود تا ضرورت بازنگری در سیاستگذاری‌های امنیتی و دیپلماتیک در چارچوب استراتژی پدافند غیرعامل تحت شرایط و فضای گسترش تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی تبیین شود.



پیشنهاد‌های راهبردی

به نظر می‌رسد اجرای راهبردها و راهکارهایی زیر چالش‌های یادشده را تضعیف، تلطیف و رفع کند:

- ذهنیت نخبگان، مجریان، ساخت دیوانسالاری و سیاستگذاران امنیتی و دیپلماسی با مقتضای جهانی شدن منطبق شود؛
- لزوم تصحیح و باز تعریف درک و برداشت سیاستگذاران نسبت به پروسه جهانی شدن و پروژه جهانی سازی و لزوم تفکیک آن‌ها؛
- شناسایی عصر ارتباطات و فضای سایبر به عنوان یک موضوع نوپدید، فراگیر، بحث‌انگیز و دگرگون‌ساز؛

- آگاهی از ویژگی‌های مثبت و منفی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و ارائه راهکار برای افزایش جنبه‌های مثبت این فناوری‌ها؛
- شناخت میزان اثرپذیری حوزه‌های مختلف از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی؛ با تأکید بر حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی؛
- طراحی و پیشنهاد الگوی مناسب برای سیاستگذاری در شرایط تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی؛
- شناسایی و استفاده از پتانسیل‌های افکار عمومی، جامعه مدنی و شهروندان؛
- استفاده از سرمایه اجتماعی، نهادهای مردمی، غیردولتی و جامعه مدنی در جهت دفع تهدیدات نرم و تبدیل آن‌ها به فرصت؛
- ارتقای اعتماد عمومی نسبت به رسانه‌های ملی با صراحت و شفافیت در اطلاع‌رسانی؛
- لزوم درک چهره جدید امنیت و دیپلماسی عمومی جدید و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری با توجه به شرایط و فضای جدید؛
- تهدید شناسی و بررسی آسیب‌ها در حوزه امنیتی و دیپلماسی و تأکید بر راهبردهایی در جهت رفع آن‌ها؛
- مدیریت تهدیدات جدید از طریق شناخت زمینه‌های تهدید و حوزه‌های آن، شناخت اهداف تهدید (هویت، مشروعیت و افکار عمومی) و شناخت ابزارهای تهدید (رسانه‌ها و ابزارهای غیر خشن)؛
- اجماع بر سر ناکارایی یا کم‌اهمیت بودن دفاع عامل و درک ضرورت دفاع غیرعامل با توجه به شرایط جدید؛ بکارگیری اصول و معیارهای پدافند غیرعامل به عنوان تکمیل زنجیره دفاعی؛
- شناساندن و آشکارسازی پشت پرده دیپلماسی عمومی جدید؛ قدرت نرم و پروژه یکسان‌سازی و جهانی‌سازی؛
- ملموس و عینی کردن آسیب‌های دیپلماسی عمومی و قدرت نرم برای هویت اسلامی و ایرانی و به تبع آن برای امنیت کشور؛

- استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جدید و تقویت آن در برابر پروژه‌های غرب؛ استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری در جهت بی‌اثر کردن دیپلماسی عمومی جدید غرب.

منابع

فارسی

- آلبرتس، دیوید ایستون و دانیل س. پاپ، *گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات*، ترجمه علی‌آبادی و رضا نخجوانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵.
- ابو، بوسا، امپریالیسم سایبر: *روابط جهانی در عصر جدید الکترونیک*، ترجمه پرویز علوی، ثانیه، ۱۳۸۵.
- اپستین، سوزان بی و لیزا مگز، *دیپلماسی عمومی: مروری بر توصیه‌های گذشته*، در کتاب *دیپلماسی عمومی*، ترجمه و گردآوری معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، ۱۳۸۵.
- اسلوین، جیمز، *اینترنت و جامعه*، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، کتابدار، ۱۳۸۰.
- افتخاری و دیگران، *کاربرد قدرت نرم*، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- افتخاری، اصغر، *امنیت در حال گذار*، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره چهارم، ۱۳۷۹.
- افتخاری، اصغر، *نامنی جهانی؛ چهره دوم جهانی شدن*، در کتاب *اندرو هورل و دیگران، نامنی جهانی؛ بررسی چهره دوم جهانی شدن*، ترجمه و اهتمام اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
- برترتن، شارلوت، *در جست‌وجوی پارادایم امنیت بعد از جنگ سرد*، ترجمه مهدی رحمانی، در کتاب *اندرو هورل و دیگران، نامنی جهانی؛ بررسی چهره دوم جهانی شدن*، ترجمه و اهتمام اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
- تاملینسون، جان، *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
- تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، ۱۳۷۸.

تیلر، هامفری، "بکارگیری دیپلماسی عمومی"، در کتاب: دیپلماسی عمومی، ترجمه و گردآوری معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت. ۱۳۸۷.

دریفوس، هیوبرت، نگاهی فلسفی به اینترنت، ترجمه علی ملانکه، گام نو. ۱۳۸۳.
دهشیری، محمدرضا، "جهانی شدن و هویت ملی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵. ۱۳۷۹.

راجرز، پل زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه امیرمحمد یوسفی، مژگان جبلی، پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۸۴.

راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، شیرازه. ۱۳۷۸.
عیوضی، محمدرحیم، "جهانی شدن و هویت های قومی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰. ۱۳۸۰.

قریشی، فردین، "جهانی شدن، تحریر و ارزیابی تفاسیر مختلف"، سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۲. ۱۳۷۹.

قوام، سیدعبدالعلی، جهانی شدن و جهان سوم؛ روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌المللی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۸۲.
کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و دیگران، طرح نو. ۱۳۸۰.

کاکو، میچیو، چشم‌اندازها: انقلاب‌های علم در قرن بیست و یکم، ترجمه یوسف اردبیلی، ققنوس. ۱۳۸۱.

کال، نیکلاس جی، "دیپلماسی عمومی: درس‌هایی از گذشته"، در کتاب دیپلماسی عمومی، ترجمه و گردآوری معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت. ۱۳۸۷.

گل محمدی، احمد، "جهانی شدن و بحران هویت"، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰. ۱۳۸۰.

گل محمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، نشر نی. ۱۳۸۱.

گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز. ۱۳۷۷.

لعل علیزاده، محمد، "نقد و بررسی کتاب در سایه آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته"، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷. ۱۳۸۷.

لیدمن، سون اریک، در سایه آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته، ترجمه سعید مقدم، اختران. ۱۳۸۷.
مقصودی، مجتبی، "نظریه‌های چند درباره ارتباطات"، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و سنجش، سال چهارم، شماره ۱۱. ۱۳۷۶.

ملیسن، ژان، دیپلماسی عمومی نوین، کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌المللی، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، دانشگاه امام صادق. ۱۳۸۸.

نای، جوزف، اس، قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن، ترجمه سعید میرترابی، پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۸۷.

واترز، مالکوم، جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، سازمان مدیریت صنعتی. ۱۳۷۹.

لاتین

- Conway, M, "Cyber Cortical Warfare: Hizbollah's Internet Strategy", in S, Oates, et al(eds), *The Internet and Politics: Citizens, Voters and Activist*, London: Routledge. 2006.
- Gottlieb, E.E & J.C, Jenkins, Can Violence Be Regulated?, In J.C, Jenkins & E.E, Gottlieb (eds), *Identity Conflicts, Can Violence be Regulated?*, London: Transaction Publishers. 2007.
- Heiberg, M, et al(eds), *Terror, Insurgency, and the State: ending Protracted Conflicts*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press. 2007.
- Norris, P, *Digital Divide: Civic Engagement, Information Poverty, and the Internet Worldwide*, New York: Cambridge University Press. 2001.
- Nye, J.s, *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*, New York: Basic Books. 1990.
- Nye, J.s, *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs. 2004.
- Potter, E.H(ed), *Cyber-Diplomacy*, Montreal, Quebec: Mc Gill-Queens University Press. 2002.
- Potter, W.J, *Media Literacy*, London: Sage. 2008.
- Reingold, H, "The Virtual Community", In D. trend (ed.), *Reading Digital Culture*, Oxford: Blackwell. 1993.
- Reingold, H, *The Virtual Community: Finding Connection in a Computerised Word*, London: Minerva. 1995.
- Rogers, E.M, *Communication Technology, The New Media in Society*, New York, Free Press. 1986.
- Roy, S, *Globalisation, ICT and Developing Nations: Challenges in the Information Age*, New Delhi: Sage. 2005.

- Turkle, Sherry, *Life on Screen, Identity in the Age of the Internet*, New York: Simon and Schuster. 1996.
- Utascarlsson, K, *Violence Prevention and Conflict Resolution*, Malmo: Department of Educational and Psychological Research. 1999.
- Wilson III, E.J, *Globalization, Information Technology, and Conflict in the Second and Third Worlds: A Critical Review of the Literature, Project on world Security Rockefeller Brothers Fund*, New York: Rockefeller Brothers Fund, Inc, www.rbf.org/pdf/Wilson-Info-Tech.pdf[05.19.2005].



governor and blind specials or sacreds roles has determined, and the role of each one relating to sedition social induction in soft power has expressed.

Keywords: Imam Ali, sedition, soft power, Nakesin, Ghasetin, Mareghin

Cultural globalization and soft power: Necessity of new policy making with software-type approach

Mohamad Lael Alizadeh¹

Mozhgan ahmadpor ardejani²

In globalization and development of information and communication technologies age, we are witness of increasingly importance of information power. The necessity of study the effects of these technologies as an element of national power in this framework is measurable. Current research attempt to study new information and communication technologies effects on policymaking in diplomacy and security domains. So this question designed that "what are the new information and communication technologies effects as a part of soft power, on policy making in diplomacy and security?" This research claim that new advancements as a main tool of cultural globalization has made it necessary to review its diplomacy and concept, and with converting security from traditional form to its new design and importance of general new diplomacy, paying attention to macro defensive-security strategies in soft power framework have been necessary. Mentioned claim by descriptive, documental and second analyze method, will be investigated.

Keywords: Information and communication technologies of one-dimension military security, hard power, multidimensional security, soft power, general new diplomacy

1. Associate of Payamenour university, PhD in Iran studies of Tarbiyat Modares university
2. Faculty member of payamenour university

Analysis of Islamic Republic of Iran soft power features, basics and components

Hosein Hersij¹

Current article using analytical and descriptive methods attempt to analyze Islamic Republic of Iran soft power features, basics and components. Soft power for survival and continuity of democracy systems, comparing autocratic systems, has critical importance. Islamic Republic of Iran, as a religious democratic system, from initial point was persuading in acquire, cover, continue and improve of soft power components. Because through soft power improving in usual times, while attracting ideas, thoughts and hearts of parties, can save its hard and semi hard power for critical occasions. The findings of this research show that the type of used soft power in Islamic Republic, comparing liberal systems of west democracy, is of growth-based kind that means the ability of having influence on others behaviors without any compulsion and temptation, and based on conduction. Three main components of soft power in Islamic Republic of Iran, including religious democracy theory, justice and dying, and liberty and independence principles, have indiscerptible elements of each other that are resulted from Mohamad pure Islam basics and especially Shieh top culture and comparing present politic systems, has could attract Iranian and region countries people thoughts and ideas.

Keywords: Soft power, hard power, temptation, religious democracy, justice and dying, liberty and independence

Social motives for sedition induction in soft power of Imam Ali view point

Ahmadreza Shahali²

Soft power is among new phenomenon and novel method to counter with independent and opponent regimens with imposed order of imperialistic governments which recognition of its dementions and the way of its formation help to finds ways for dealing with. In this article, while study lexical mean of sedition and its features in Ali words, it is also surveyed its relation and effect on soft power phenomenon. Then based on Imam Ali sermon and letters attempted to explain social motives of sedition conduct in soft power. So people,

1. Associate of politic sciences group of Isfahan university

2. Faculty member of Islamic group of Iran science and industry university

question that how could explain the process of power changes in passing modern period to post modern?Based on this research findings,transition of hard power to soft power,through new power relying on wisdom principle is possible.However,it can not definitely mention to this transition as a promise to totalitarianism end and obtain of the best.

Keywords: Industrial revolution,Postmodernism,post-industrial,the third wave, power, soft power.

The process of soft power production with emphasize on Imam Khomeini idea

Mohamadrahim Eyvazi¹
Azam Emami²

Soft power is of emerging subjects which in spite of its being new, of lexical nature relate to past.So that the exact scrutiny of Imam khomeiny idea imply to dominant of software on hardware demention of power.Imam theoretical and practical demeanour mention to emergence of new kind of power that Islamic worldview forms its centrality.So that's why the initial point of soft power production process in Imam idea is based on revival and expanding the values and preferences of Islamic religion.Recovering the Islamic culture means reclamation of soft power basic resources that in next stages can help politic system to change to social capital and legitimation of politic system. So this article while answering to this question that what is the soft power production mechanism in Imam Khomeini idea? Claim that process of soft power production in Imam idea include three stages:1)production of culture,value, policy,idea,belief,and generally accepted,legal and attractive intellectual believes flows,2)processing pattern and 3)soft power initial resources conversion to social capital and politic legitimation.

Keywords: Imam Khomeini, Soft power,Power resources, Social capital, religion

1. Faculty member of internatiol Imam Khomeini university
2. MA in politic sciences

Introduction to policymaking view point on proficiency of soft power in international communication scene

Vahid Khashei¹

Mehrdad Morad Emamzadeh Jafar²

Soft power is a word which in international relations theories in order to description of a group political capability like government for indirect influence on behavior or interests of other political groups through cultural or ideological tools applied. By advent and growing those international relations theories that were furthering a way from classical theories, It is required to emphasise on soft power. Liberal sights theorists, consciously or unconsciously focuses on soft power application in international relations scene. Critical standpoint said that soft power is a concept that by critical theory is grown and some of its components like conversation has been supported and also in structural theory of negligence the intrapsychic element, has a deep unanimity with one of the basic component of soft power rather being neglected by theorists critical view points.

Keywords: soft power, international relations theories, Liberalism, critical theory, structural theory of negligence

Evolution of Soft power nature in postmodern era

Ahmad Fadavi Bandegharaie³
Saidehsadat Geramian⁴

Information revolution resulted in basic mutation in power phenomenon. In countries domestic scene, by increasingly expanding of democracy waves, we are witness of becoming deficient of repression tools behalf of governments and their undertaking in economic-technologic domains. In international scene, rehearsal of international boycotts and efficiency of foreign loans and assistance in conducting countries foreign policy, has critical role. In addition, information revolution has changed power tools and resources. So that in national and international scene, countries which have advanced information technology, also will have more power. Current age changes especially in power phenomenon area were emphasized by various scientifics like Francis Fukuyama, Samuel Huntington and Alvin Toffler. The aim of this article is answering to this

1. PhD in Strategic management and faculty member of management collage of Alameh Tabatabai university
2. International relations expert
3. Faculty member of law group of Payamenour university
4. Faculty member of politic sciences group of Payamenour university

Abstract

Soft threat and moral security (Sadum tribe in holy Quran case study)

Asghar Eftekhari¹
Vahid Riyazi²

Although there is various sights about soft threat stances and its concept, but analyzing security principles of Islam system imply that moral category play a prominent role in recognizing this one and even soft threat identity. That's why it is consider as a one of the softwar-type security making requirements in Islam that attempt on structure and reinforcement of moral security. In this article authors by using expository – analytical method aim to answer to this question that : what are the soft threat features that relates to moral security of Sadum tribe?

Done analysis imply to:

First, holy Quran on the basis of human nature congition, plots some values and goals for him. In description of deviances counts some factors like psychological, social and even metaphysical, physical ones and from another side said that sexual deviance infrastructures are resulted from cultural failure and detour of Amre be marouf and nahy az monkar(it means order to being truth and avoiding from fault)

Second, people justice flighting because of false social customs among themselves and neglecting norms, also can regard as the soft threat features that relates to Sadum tibe moral security. Third, corruption of family, being along with deviant people, social unorganized and situation, cultural incoherence, sneer and finally Sadum tribe ignorance are including semantic elements that cover soft threat in Sadum tribe. Fourth, from total notes which about theories present in this article, it is clear that security has a software-type nature and hard security without it, has no mean.

Keyword: soft threat, homosexuality, social deviance, Holy Quran, Islam, prophet Lout

1. Political sciences Associate of Imam sadegh university
2. PhD student in defensive policy of supreme national defence university

Table of contents

Soft threat and moral security (Sadum tribe in holy Quran case study)

Asgar Eftekhari, Vahid Riyazi

➤ **Introduction to policymaking view point on proficiency of soft power in international communication scene**

Vahid Khashei , Mehrdad Morad Emamzadeh Jafar

➤ **Evolution of Soft power nature in postmodern era**

Ahmad Fadavi Bandegharaie, Saidehsadat Geramian

➤ **The process of soft power production with emphasize on Imam Khomeini idea**

Mohamadrahim Eyvazi, Azam Emami

➤ **Analysis of Islamic Republic of Iran soft power features, basics and components**

Hosein Hersij

➤ **Social motives for sedition induction in soft power of Imam Ali view point**

Ahmadreza Shahali

➤ **Cultural globalization and soft power: Necessity of new policy making with software-type approach**

Mohamad Lael Alizadeh

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی